

درپیش گرفتن سیاست صنعتی سازی، ارتقای صادرات، گسترش موافقت‌نامه‌های تجاری و تسهیل مراودات بانکی و همچنین استقلال سیاست خارجی کشور از موضوعات و سیاست‌های منحرف‌کننده قدرت‌ها و نهادهای بین‌المللی^(۱)، از شاخص‌های اقتصاد سیاسی سیاست خارجی دولت توسعه‌گرا و به‌طور کلی دیپلماسی اقتصادی فعال محسوب می‌شود که در توسعه این دولت‌ها نقش بسزایی داشته است.

۲. ایدئولوژی نخبگان اجرایی کشور

در بررسی سیاست خارجی کشورها لازم است که به شرایط داخلی، نخبگان حاکم و شرایط منطقه‌ای و بین‌المللی به‌طور هم‌زمان توجه شود (ساعی و پیام، ۱۳۹۱: ۹۲). در واقع توجه هم‌زمان به دو محیط داخلی و خارجی و همچنین توجه به گفتمان غالب نخبگان و اقتصاد سیاسی سیاست خارجی می‌تواند در ارائه تحلیل‌های درست و منطقی مناسب باشد. با پایان جنگ سرد، سیاست‌های تنش‌زدایی، همزیستی مسالمت‌آمیز و اعتمادسازی، به‌عنوان اصول سیاست خارجی توسعه‌گرا، برای بهره‌مندی از امکانات بین‌المللی به دیدگاه غالب نخبگان تبدیل شده است (سوری، ۱۳۸۴: ۱۸۱-۱۸۲). البته این دیدگاه جدید هنوز در همه کشورها شکل نگرفته و نخبگان آن هنوز نسبت به مسائل جهانی شدن و الزامات آن و همچنین شرایط داخلی بیش‌کافی را کسب نکرده‌اند. چنین مسائلی را می‌توان در دیدگاه نخبگان ج.ا.ایران در زمان بعد از جنگ تحمیلی تا به امروز مشاهده کرد. هرچند بینش برخی از نخبگان اجرایی کشور برای شرایط و الزامات بین‌المللی و داخلی بوده است، ولی باز هم صبغه‌هایی از رویکرد غیر توسعه‌گرایی در آنها مشاهده می‌شود.

۲-۱. دولت‌سازندگی

با پایان جنگ تحمیلی و روی کار آمدن دولت‌سازندگی، امنیت مساوی توسعه شد. از آنجایی که توسعه ملی به‌عنوان الگوی موفق راهبرد امنیت ملی تعریف شده، راهبردهای داخلی و خارجی ج.ا.ایران نیز در چهارچوب توسعه‌گرایی قرار گرفته